

## تحقیق دانش‌آموزی: حضرت قاسم (ع) کیست؟

### مقدمه:

در واقعه غم‌انگیز کربلا در سال ۶۱ هجری قمری، افراد زیادی در راه دفاع از حق و یاری امام حسین (ع) به شهادت رسیدند. یکی از این قهرمانان، نوجوانی سیزده‌ساله به نام حضرت قاسم (ع) بود که با وجود سن کم، شجاعتی باورنکردنی از خود نشان داد. زندگی کوتاه اما پرمعنای او و کلام معروفش درباره شهادت، او را به یکی از الگوهای بزرگ وفاداری در تاریخ اسلام تبدیل کرده است.

### تولد و زندگی در سایه پدر و عمو

#### شناسنامه و خانواده

- نام و لقب: قاسم بن الحسن (ع).
- پدر: امام حسن مجتبی (ع)، امام دوم شیعیان و فرزند حضرت علی (ع).
- مادر: بر اساس برخی روایات، نام مادر ایشان رَمْلَه (ام ولد) ذکر شده است.
- تاریخ تولد: تاریخ دقیق ولادت ایشان مشخص نیست، اما گفته می‌شود حدود سال ۴۷ یا ۴۸ هجری قمری در مدینه به دنیا آمد.

#### یتیمی و تربیت حسینی

حضرت قاسم (ع) در سن حدود ۲ تا ۳ سالگی، پدر بزرگوار خود، امام حسن مجتبی (ع)، را از دست داد. پس از شهادت پدر، قاسم (ع) تحت سرپرستی و تربیت عموی مهربانش، امام حسین (ع)، قرار گرفت. این دوران زندگی باعث شد که او با اخلاق و شجاعت حسینی پرورش یابد و انس و الفت عجیبی با عموی خود داشته باشد.

مورخان نوشته‌اند که قاسم (ع) از نظر چهره و قامت، شباهت زیادی به پدرش، امام حسن (ع)، داشت و عمویش با دیدن او به یاد برادر عزیز خود می‌افتاد.

#### حضور در کربلا و «احلی من العسل»

#### سفر به کربلا

قاسم (ع) در واقعه عاشورا، در سن ۱۳ یا ۱۶ سالگی (بر اساس روایات مختلف) همراه با خانواده امام حسین (ع) و دیگر یاران، از مدینه به سمت مکه و سپس به کربلا آمد.

## گفت‌وگوی شب عاشورا حضرت قاسم با امام حسین(ع)

شب عاشورا، امام حسین (ع) بیعت خود را از یارانش برداشت و اعلام کرد که فردا همه شهید خواهند شد. حضرت قاسم (ع) که نگران بود شهادت شامل حال نوجوانان نشود، نزد عمویش آمد و پرسید:

- قاسم (ع): آیا من نیز فردا کشته خواهم شد؟
- امام حسین (ع): مرگ در نظر تو چگونه است؟
- قاسم (ع): (أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ) از عسل شیرین‌تر است.

این پاسخ نشان از عمق ایمان، شجاعت و ولایت‌پذیری این نوجوان نسبت به عمو و هدف مقدس او داشت.

## اجازه میدان نبرد

در روز عاشورا، پس از شهادت بسیاری از یاران و بنی‌هاشم، قاسم (ع) نزد امام حسین (ع) رفت و با اصرار فراوان و بوسیدن دست و پای عمو، اجازه میدان نبرد را خواست. امام (ع) که از کوچکی سن او ناراحت بود، ابتدا اجازه نمی‌داد، اما در نهایت با گریه و بی‌حالی هر دو، امام حسین (ع) به او اذن مبارزه داد.

## شهادت قهرمانانه

## رجزخوانی و شجاعت

حضرت قاسم (ع) در حالی که جثه‌ای کوچک داشت، شجاعانه به میدان تاخت. او در میدان جنگ، با خواندن رجز (شعر حماسی) خود را معرفی کرد:

«اگر مرا نمی‌شناسید، من قاسم پسر حسن هستم که برگزیده‌ای از سوی خداوند است. این عمویم حسین است که مانند اسیران، گروگان گرفته شده است...»

او با آن سن کم، چنان جنگید که بسیاری از دشمنان را هلاک کرد و شگفتی لشکر دشمن را برانگیخت.

## نحوه شهادت حضرت قاسم(ع)

سرانجام، یک نفر از سپاه دشمن به نام عمرو بن سعد بن نفیل آزادی بر او حمله کرد.

قاسم (ع) در اثر ضربت دشمن، به روایتی بر زمین افتاد و در آن هنگام فریاد زد: «یا عَمَّاه!» (ای عمو جان!). امام حسین (ع) به سرعت خود را به بالین برادرزاده‌اش رساند و بر قاتل او حمله‌ور شد.

در هنگامی که درگیری بین امام حسین (ع) و دشمنان در جریان بود، لشکر کوفه برای نجات قاتل قاسم هجوم آوردند. متأسفانه بدن مطهر حضرت قاسم (ع) زیر سم اسبان دشمن لگدمال شد و او به شهادت رسید.

امام حسین (ع) با اندوه فراوان، بدن مجروح و کوچک برادرزاده‌اش را در آغوش گرفت و آن را به خیمه‌گاه آورد و کنار پیکر دیگر شهدای بنی‌هاشم قرار داد.

#### نتیجه‌گیری:

حضرت قاسم بن الحسن (ع) نمونه‌ای بی‌نظیر از ایمان، شجاعت و ولایت‌پذیری در سن نوجوانی است. او با شهادت خود، ثابت کرد که در مسیر حق و دفاع از امام زمان، سن و سال مهم نیست و مرگ در راه خدا، حقیقتاً شیرین‌تر از عسل است.